

## شایستگی

### تنها شرط کارمندی است

در شمارهٔ پیش؛ توضیح داده شد که اسلام برای رعایت اصل آزادی سیاسی؛ فرمانهای گوناگونی صادر کرده و راه‌های متعددی پیش گرفته است. و اینک دنباله همان بحث را با ذکر نمونه‌های زنده‌ای از فرمانهای تاریخی علی (ع) و تواریح معتبر اسلامی تعقیب میکنیم.

اسلام، نه تنها بمردم، آزادی بدست آوردن مناصب اداری مملکت را میدهد، بلکه زمامدار مسلمین و فرمانروایان کشور اسلامی را مأوریت میدهد تا کارمندان دولت را از میان شایسته‌ترین افراد ملت، انتخاب نمایند.

رئیس دولت و یاهمیتی که مأموران انتخاب کارمندان دولتند، وظیفه دارند، پیش از انتخاب آنها دربارهٔ شایستگی و لیاقت آنها تحقیق نمایند، چنانچه قابلیت برای انجام وظایف مورد نظر نداشته باشند، حکومت اسلامی حق ندارد روی علائق شخصی و توصیه‌های این و آن، آنها را استخدام نماید.

نمونه‌هایی از فرمان تاریخی امیرمؤمنان (ع) به‌ما لک‌اشتر

۱. دربارهٔ کارمندان دولت و حکام، چنین دستور میدهد: «در امور مربوط به کارمندان و حکام خویش؛ بیاندیش؛ تا ایشان را پس از آزمایش و توجه به سوابقشان؛ انتخاب کنی؛ و بعلت «تمایل شخصی» و به‌آئین «استبداد و خودسری» برنگزینی؛ زیرا این دو صفت؛ معجونی از اقسام جور و خیانت است.

مردم کار آزموده و با آزر؛ از خاندانهای صالح و دارای نیکنامی و حسن سابقه در

اسلام را به حکومت برگزین؛ زیرا ایشان خوش خوی تر و آبروخواه ترند؛ و تسلیم آنها در مقابل طغیان مطامع؛ کمتر؛ و رای آنها در عواقب امور؛ عمیق تر است» (۱)

۲- درباره انتخاب افراد نظامی و سران ارتش، فرمان میدهد: «افسران سپاه تو باید کسانی باشند که برای خوشنودی خدا و رسول او، و برای پیروی از امام و پیشوای مسلمین پند پذیرنده تر و پاکدل تر و خردمندتر و بردبارتر باشند از کسانی که دیر بخشم آیند و زود عذر افراد را بپذیرند و بزیردستان مهربان بوده و در برابر زورمندان سختگیر باشند که نه چنان خشن باشند که از جادروند و نه چنان نرم که از انجام وظیفه بازمانده» (۲)

۳- درباره انتخاب قضات و آنهاست که بایستی دارای منصب داوری باشند، اینطور دستور میدهد: «برای قضاوت و داوری بین مردم، بهترین افراد ملت را انتخاب کن، کسی که کارها با وسخت نیاید، و نزاع کنندگان، درستیزه و لجاج، رأی خود را بر او تحمیل ننمایند...» (۳) (۴)

پیغمبر اسلام نیز، برای آنکه با افراد شایسته و لایق، امکان بیشتری برای تصدی مشاغل و مناصب، بدهد و عزیزان بلاجهت را از اشغال غاصبانه پستهای حساس مملکت، باز دارد، فرمانروایان ملت را چنین راهنمایی میکند: «من ولی من امر المسلمین شیناً فامر علیهم احدا محاباة فعلیه لعنة الله لا یقبل الله منه صرفا ولا عدلا حتی یدخله جهنم» (۵) «هر گاه کسی که زمام امری از امور مسلمین را بعهده دارد، روی دلخواه و بدون شایستگی، کسی را بر آنها فرمانروا سازد، از رحمت خدا بدور خواهد بود، و در قیامت خداوند، بدون آنکه از او شفاعت و یا عوضی قبول کند، او را بدوزخ خواهد فرستاد».

کسی خدمت رسول خدا (ص) شرفیاب شد و از آنحضرت پرسید: قیامت کی بر پا خواهد شد؟!؟

پیغمبر اسلام باو فرمود: «هر گاه امانت ضایع گردد».

آنمرد عرضه داشت: ضایع گردیدن امانت چگونه و بوجه معنی است؟!؟

حضرت فرمود: «هر گاه زمام امور بدست افراد نالایق و فاقد صلاحیت...» (۲)

(۱) نهج البلاغه عده ج ۳ ص ۱۰۵

(۲) نهج البلاغه محمد عده ج ۳ ص ۱۰۱

(۳) نهج البلاغه عده ج ۳ ص ۱۰۴

(۴) در فرمان تاریخی امیر مؤمنان (ع) بمالك اشتر، نکات فراوانی درباره مملکت داری

و حکومت وجود دارد که ما بخاطر اختصار اذکر آنها خود داری کرده ایم، طالبان را بکتاب نفیس «الراعی والرعیة» تالیف استاد «توفیق الفکیکی» حواله میدهم.

(۵-۶) حقوق الانسان ص ۷۲

## آنجا که کردار مؤید گفتار است:

هر کسی بتاریخ اسلام مراجعه کند ، خواهد دید : افراد زیادی با آنکه از خانواده‌های سرشناس و باصلاح هزارفامیل جامعه نبوده‌اند ، تنهادر سایه جدیت و شایستگی توانستند به عالیترین مناصب و مشاغل اجتماعی و سیاسی کشور نائل گردند .

مثلا با بودن بزرگان مهاجرین و انصار ، افراد لایقی مانند زید ، غلام آزاد شده پیغمبر امیر لشکر در جنگ «موتّه» و «اسامه بن زید» سردار لشکر در جنگ بارومیان ، و «عمار یاسر» استاندار کوفه ، و «سلمان فارسی» استاندار «مدائن» گردیدند ، با آنکه همه‌ای از اینها بردگان آزاد شده و یا از نژاد غیر عرب بودند ، (۱)

پیغمبر اسلام ، بعد از فتح مکه ، جوان ۲۱ ساله لایقی را بنام «عتاب بن اسید» به فرمانداری شهر مکه برگزید ، انتصاب آن جوان به چنین مقام بزرگی ، باعث رنجش خاطر و آزر دگی شدید جمعی از رجال عرب و بزرگان مکه شد ، زبان به شکایت و اعتراض گشودند ، و گفتند : رسول اکرم (ص) دوست دارد که ماهواره حقیر و پست باشیم ، بهمین جهت جوان نوری را بر مشایخ عرب و بزرگان مکه امیر و فرمانروا کرده است!

سخنان گله آمیز مردم ، بسمع مبارک آنحضرت رسید نامه مفصلی خطاب ب مردم مکه نوشت و در کمال صراحت ، مراتب شایستگی و لیاقت «عتاب بن اسید» را خاطر نشان فرمود و تأکید کرد که تمام مردم ، موظفند از او امروی اطاعت نمایند ، و دستورهای او را بکار بندند .

و در پایان نامه با جمله کوتاهی اعتراض نا بیجای آن عده را اینطور جواب داد : «هیچ يك از شما جوانی عتاب را اساس اعتراض قرار ندهد زیرا املاك فضیلت انسان ؛ کبر سن و بزرگی نیست بلکه برعکس ؛ میزان بزرگی انسان فضیلت و کمال معنوی و شایستگی است» !

این جوان ، تا آخر عمر پیغمبر اسلام ، فرماندار مکه بود ، و در کمال لیاقت و شایستگی انجام وظیفه کرد و در طول دوران مأموریت خویش ، بخدمات درخشانی در تمام شئون مختلف نائل گردید (۲)

گرچه کشور اسلامی جز در زمان پیغمبر اکرم ، و چند ساله حکومت امیر مؤمنان (ع) اجرای کامل احکام اسلامی را بخود ندیده است زیرا خلفای بنی امیه و بنی عباس خلافت را تبدیل به حکومت خود کامه و استبداد کرده و اعمال آنان با مقررات اسلامی مابینت کلی و قطعی داشته است ولی در عین حال ، همواره روح قوانین اسلام ، نفوذ کلی خود را در جامعه اسلامی حفظ میکرده است .

(۱) العداة الاجتماعية ص ۱۶۳

(۲) الاستیعاب ج ۳ ص ۱۵۴ - اسد الغابة ج ۳ ص ۳۵۸ (نقل از جوان از نظر عقل و

روح آزادی و مساواتیکه اسلام، به بشریت دمیده بوده، باو امکان میداد، مرزهای موهوم طبقاتی را بردارد هر کسی در هر طبقه و صنفی قرار دارد، بتواند، طبق لیاقت و شایستگی خود، هر منصب و مقامی را که میخواهد، اشغال نماید.

این آزادی سیاسی شامل مناصب فتوی، قضاوت، حکومت، وزارت، امارت، ولایت، حسبه، و دیگر از مشاغل سیاسی و حقوقی و اجتماعی و اداری بوده و ما بخاطر رعایت اختصار، از ذکر نمونه‌های تاریخی درباره هر کدام از آنها خودداری مینمائیم و از شماره بعد قسم دوم آزادی سیاسی را مورد بحث قرار میدهیم.

### (بقیه از ص ۲۲)

را دریا بدو باسنجش و مطالعه عمیق باهمیت آئین اسلام و نقش آن در روش و نظام روابط اجتماعی پی بر دو موقعیت خود را در این جهان شناسائی دریا بد بلکه پیوسته تحت تأثیر شخصیت‌های شهرت- یافته، عقاید خود را تغییر میدهد.

اواز خصوصیات جامعه خود بیخبر است و سجایای اخلاقی افراد با ایمان واقعی را نمیبیند.

اوهر گز متوجه نیست که تمدن صنعتی منهای ایمان غرب چگونه جوانان غربی را سر- گردان ساخته است.

اونه هیپی‌های آواره و معتاد آمریکا را میبیند و نه اگرستانسیالیست‌های عربان فرانسه را. و اگر هم از وجود چنین بدبختیهائی آگاه باشد متوجه نیست که همه آنها بعلت عدم وجود یک مبانی فکری و اخلاقی صحیح و زنده در غرب است.

(خود روشنفکر بین) ما از گرایش نسل جوان و روشنفکران واقعی بمذهب و روحانیت سخت کلافه است و از پیشرفت سریع اسلام در میان روشنفکران امریکائی و سیام پوستان افریقائی رنج میبرد و چون نمیتواند این واقعیت عینی را منکر شود دلایل پوچ میترشد و ادعا میکند علت چنین گرایشی نتیجه سرگردانی جوانان است، در حالیکه سرگردان واقعی اوست، او که نه- میتواند درست بیاندیشد و نه پایگاه فکری مشخصی دارد، و اوست که باید در فکر معالجه خود باشد و رسوبات تعصب، یکدندگی و خود روشنفکر بینی، را از ذهن خود پاک کند.

### (بقیه از ص ۶۳)

بانواع گوناگونی افراد ملت هارا تخدیر نموده، آنان را بخواب ناز فروبرند.

در جای دیگری از نهج البلاغه میفرماید: بالفکر تجلی غیاهب الامور یعنی بیاری فکر و اندیشه بر پیچیدگیهای حوادث زندگی اطلاع پیدا کرده، بر حل مشکلات توانا شو.

بنابر این یکی از وظائف حساس پدران و مربیان اجتماع اینست؛ که در پرورش فکری نسل جوان سعی بلیغ نمایند؛ و توجه داشته باشند، که پرورش جسمی بتنهائی سعادت افراد اجتماع را تأمین نمینماید، بلکه بموازات سلامت و تندرستی تن، میبایستی کوشش کرد که فکر و عقل افراد نیز تقویت گردد، و از آنچه که نیروی خرد و تفکر را علیل و ناتوان میسازد، جلوگیری بعمل آورد.